

■ **سمانه صادقی**

عملیات ترور بیستی اخیر داعش در اهواز و تمرکز رسانه‌های معاند بر وجود یک جریان جدایی طلب در خوزستان، بررسی صحت این انگاره را ناگزیر ساخته است. در گفت و شنودی که پیش روی دارید، استاد علی اکبر رنجبر کرمانی به عیار سنجی این ادعا پرداخته است. امید آنکه مقبول افتد.

■ ■ ■

سؤال نخست خود را از وابستگی اهواز و خوزستان به خاک ایران آغاز می‌کنیم. این وابستگی در طول تاریخ به چه صورت بوده است؟

همیشه خوزستان جزو لاینچیزای خاک ایران بوده است. اگر از روی نقشه نگاه کنید می‌بینید که هیچ‌گونه جدایی و فاصله‌ای بین خوزستان و بقیه سرزمین ایران نیست و کاملاً به نقشه ایران چسبیده و حتی هیچ‌گونه زائده طبیعی‌ای مثل رشته کوه یا رودخانه یا امثالهم خوزستان را از ایران جدا نکرده است. به لحاظ جغرافیایی، هر کسی به این خاک نگاه کند، می‌فهمد که این منطقه قطعه طبیعی خاک ایران است. از نظر تاریخی هم آثار باستانی ایرانی که همه مربوط به دوران قبل از اسلام است، به وفور در خوزستان یافت شده‌اند. اگر به موزه ملی ایران، موزه آرمیتاز در روسیه و موزه‌های بزرگ دنیا در لندن و پاریس سری بزنید، آثار ایرانی‌ای را که کشف و در آن موزه‌ها به نمایش گذاشته شده‌اند می‌بینید که اکثر از منطقه خوزستان بیرون کشیده شده‌اند. آیا زیگورات چغازنبیل که در نزدیکی های شوش هست، یک اثر باستانی عربی است؟! از این قبیل آثار در این منطقه بی‌شمار است. همین حالا هم آثار باستانی مربوط به دوران قبل از اسلام در خوزستان به وفور یافت می‌شود. خوزستان هیچ‌گاه یک سرزمین عربی نبوده است. این قسمت به اضافه منطقه آن سوی اروند رود که در حال حاضر نامش عراق است، بخشی از خاک ایران بوده است. پایتخت ایران در عهد ساسانیان شهر تیسفون بوده که در حال حاضر ایوان کسری، که بقایای کاخ پادشاهان ساسانی در تیسفون است، در خاک عراق و در کنار رود دجله قرار دارد. بنابراین نه تنها خوزستان، بلکه خود عراق هم یک سرزمین ایرانی بوده است که اعراب بعدها آمده و در آنجا ساکن شده‌اند. هم جغرافیای هم تاریخ دالت بر ایرانی بودن این سرزمین است.

علاوه بر آثار تاریخی بدست آمده از این منطقه چه دلایل دیگری برای اثبات وابستگی خوزستان به ایران و وجود دار؟

اسامی‌ای که در خوزستان بکار رفته همگی ایرانی است. به نظر شما آیا رام‌هرمز یک اسم عربی است؟ شوش، شوشتر، رام‌ادشیر، دارابگرد و… همه اسامی که در این منطقه بکار رفته، فارسی است. دانشگاه مشهور چندی شاپور یا گندی شاپور که اسم فارسی آنجاست و اعراب چون حرف «گ» ندارند آن را معرب کرده و می‌گویند چندی شاپور، این دانشگاه ایرانی شهرت جهانی داشته است. پزشکان ایرانی و پزشکان رومی در این دانشگاه تدریس می‌کردند.

با این تفصیلات علت عرب زبان بودن مردم این خطه چیست و از چه زمان اعراب در خوزستان ساکن شدند؟

بعد از اسلام منطقه بین‌النهرین که مرز اولیه کشور اصلی اسلام یعنی حجاز و مکه و مدینه و شبه جزیره عربستان است، منطقه مرزی حساب می‌شد. خلفای عرب بعد از اینکه ایران را فتح کردند برای حفاظت از فتوحات خودشان این منطقه را یک منطقه پادگانی کردند و عمدتاً قبائل عرب را به شهرهای کوفه و بصره می‌کوچاندند و اسکان می‌دادند که این مناطق حالت پادگانی و همیشه نیروواحش در اینجا حضور داشته باشد.

روایات و روایح در اینجوا برخلاف منطقه از سسکنه اعراب بوده است؟

بله، علاوه بر اینکه تیروی نظامی پاکار هم داشته باشند. این کاری است که پادشاهان همه کشورها می‌کردند، پادشاهان ایران هم طوایف لر و کرد و… را به این سو و آن سو می‌کوچاندند تا مرزهای ایران دفاع کنند. اما بسیاری از طوایف عربی که بعد از اسلام وارد ایران شدند، به مرور در میان مردم ایران حل شدند و عده زیادی از آنها در ایران ماندند. مثل اشعری‌ها که از اعراب یمن بودند و به قم آمدند. مثل شیبانی‌ها(لبنی شیبان) که در مناطق مختلف ایران، به ویژه در مناطق مرزی، ساکن شدند.

مثل خزیمه‌ها و خیلی‌های دیگر. اینها همه با گذشت زمان ویژگی‌های عربی خود را از دست دادند و ایرانی و فارس شدند. این طوایف عرب فقط در خوزستان نبودند و در دل خاک ایران در خراسان، قم، نیشابور و… زندگی می‌کردند. همان طور که گفتم همه اینها ایرانی شدند. امروز کسی که نام خنودگی اش مثلاً شیبانی است و اصالتاً هم از بنی شیبان باشد (مثل شیبانی‌های کاشان) اگر به او بگویید تو عربی، می‌خندد و تعجب می‌کند. اسدئله علم که وزیر دربار محمدرضا شاه بود و خیلی هم ضد عرب بود اصالتاً از اعراب خزیمه بود. آیا او عرب بود. این مقدمه طولانی را گفتم برای اینکه کسی تصور نکند اعراب خوزستان حتی از صدر اسلام به ایران آمده بودند اعرابی که در پی فتح ایران به ایران آمدند و در ایران ماندند همه در مناطقی غیر از خوزستان مستقر شدند و در داخل توده اصلی ایران منحل شدند و ایرانی شدند. اعرابی که الان در خوزستان هستند غیر از آنها هستند. البته مثل همه مناطق مرزی عده کمی از قبایل عرب اینجا بوده‌اند که همگی تابع دولت ایران بودند.

اعراب فعلی خوزستان از چه دوره‌ای وارد این منطقه شده‌اند و انگیزه ورودشان چه بوده است؟

باید بگویم این خوزستان فعلی و این اعراب ایرانی خوزستان را باید از زمان ورود سیدمحمد مشعشع بررسی کنیم. سیدمحمد مشعشع از اخفاد امام موسی کاظم بود. در حله درس خوانده بود و کم کم عقاید خاصی پیدا کرد. و عده‌ای پیرو او شدند. مردی توانا و مدیر و مدبر بود. به نام تشیع قیام کرد و مناطق از حوالی بغداد تا بصره و خوزستان و کهگیلویه را از تصرف تیموریان خارج کرد و بر کرلا و نجف هم مسلط شد. اگر بگوییم او اولین دولت



«خوزستان، اهواز و نسبت تاریخی آن با ایران»

در گفت‌وشنود با علی اکبر رنجبر کرمانی

نسبت جدایی طلبی به خوزستان نمی‌چسبد

تاریخ چهارم شهریور سال ۱۳۰۳ با سردار سپه، رضاخان پهلوی، نخست‌وزیر وقت. خزعل بعد از بیان مطالبی می‌گوید: «همیشه افتخار و سربلندی بنده در نوکری و خدمتگزاری به دولت بوده است.» این حرف کسی است که الان عده‌ای می‌گویند او می‌خواست خوزستان را از ایران جدا کند. کاخ شیخ‌خزعل تا مدت‌ها نیز در همین منطقه بود. نمی‌دانم الان هم هست یا نه، ولی تا وقتی که بود عکس‌ها و آثار همه پادشاهان ایران در آنجا وجود داشت. بنابراین حتی همین کسی را که می‌گویند می‌خواست خوزستان را به عربستان تبدیل کند و اتحادیه به عرب قرار بود را به رسمیت بشناسد، به عنوان والی و کارگزار دولت مرکزی ایران در خوزستان عمل می‌کرده است.

علت اختلاف میان شیخ‌خزعل و رضاخان چه بود و از چه زمانی آغاز شد؟

در زمانی که رضاخان پهلوی در سردارک برچیدن حکومت قاجار و تحکیم دیکتاتوری خودش بود، عده‌ای از رجال مخالف رضاخان مثل مرحوم شهید مدرس، اعلی‌الله مقامه، با او مخالفت می‌کردند. خوزستان بر ضد شاه عباس کرد. شورش در گوشه و کنار کشور آن روزها در ایران و غیر ایران عادی بود. به هر حال دولت مشمشعیان در خوزستان که به تدریج رو به افول گذاشت و سرانجام هم یک حاکمیت محلی تابع دولت ایران و البته گاه و بیگاه بافرمان شد یک دولت یا حاکمیتی بود که شاکله اصلی آن عرب بود. یعنی قبایل عرب ساکن در مناطقی که نام بردم تابع آن بودند. و بعدها هم همین طوایف عرب بودند که در زمان ضعف و افول مشمشعیان با آنها و بعد هم با یکدیگر به مخالف و چالش برخاستند.

علت پراکندگی اعراب در کل خاک ایران چه بود؟

همانطور که اشاره شد در ابتدا قضیه جنبه نظامی داشته بنابراین اعراب را در جاهای خاصی اسکان می‌دادند، تا در صورت لزوم به عنوان تیروی نظامی از آنها استفاده کنند، ولی اینها بعدها در جامعه ایرانی حل و استحاله شدند. اعراب یمن طرف و بنی کعب هم که گفتم سابقه شان در ایران به سیدص چهارصد سال می‌رسد.

گرایشات اسلامی و شیعیی مردم اهواز در طول تاریخ به چه صورت بوده و آیا این مسئله یکی از عوامل پیوند دهنده آنان با کلیت مردم ایران بوده است؟

اعراب خوزستان همگی شیعه و در تشیع هم بسیار متعصب و با غیرت هستند. در بین اعراب خوزستان سنی نداریم. بنی کعبی و بنی طرف از شیعیان راسخ العقیده‌ای هستند که با وجود درگیری با دولت ایران در نزاع بین عثمانی و ایران همواره طرف ایران بوده‌اند. دلیل عمده‌اش همین تشیع است.

گروهک‌هایی نظیر الاحواز معتقدند آغاز کننده این راه شیخ‌خزعل بوده است؟

در طول تاریخ مردم خوزستان با دولت مرکزی هیچ وقت تعارضی نداشتند. شیخ‌خزعل نیز از اعراب خوزستان بود و قبل از او، برادرش شیخ مزرعل از طرف دولت ایران سر کار بود. خزعل برادرش را کشت و دولت مرکزی ایران بدون دخالت در امر داخلی عشیره‌ای حاکمیت خزعل را پذیرفتند. این مسئله بدین معنا نبود که اینها خود سر بودند، بلکه همه آنها به دولت مرکزی ایران مالیات می‌دادند و از احکام کلی اطاعت می‌کردند و پرچم ایران در همه مناطق یکی بود. شیخ‌خزعل هم که به عنوان آغازگر حرکت تجزیه‌طلبی مطرح و درحادثه اخیر اهواز هم اسمی از او برده شده، مطیع دولت ایران بوده و ازطرف دولت ایران با لقب سردار اقدس در خوزستان حکومت می‌کرده است و چند بار هم تجزیه‌طلبی خود را تکذیب کرده است. من تلگرامی که شیخ‌خزعل به حکومت مرکزی و نخست‌وزیر وقت ایران زده و ابراز وفاداری کرده موجود است. متن تلگرام خزعل به

عاریخ

کفتوگو ۸۸۴۹۸۴۷۹



سمانه صادقی

د

این گروهک الاحواز چار تا و نصفی آدم بودند که صدام در دوران جنگ با ایران جمعشان کرد و اسمشان را هم گذاشت الجبیه التحریر الاحواز. ریشه‌های تاریخی این تحرکات شاید به دهه ۴۰ شمسی برگردد که دولت‌های عرب با دولت طرفدار غرب پهلوی اختلاف رویکرد داشتند و همانطور که پهلوی از کردها علیه عراق یعنی چپ استفاده می‌کرد، آنها از امکانات خاص خودشان علیه ایران استفاده می‌کردند. این حرکت آنقدر هم اهمیت نداشت

که حتی ردی از آنها در تاریخ بماند

خوزستان کمترین همراهی با یعنی‌های عراق کرده بودند، خوزستان از خاک ایران جدا شده بود، چون ما آن موقع واقعاً هیچ چیزی برای دفاع از کشور نداشتیم. کما اینکه کردستان که تا حدودی زمینه تجزیه‌طلبی داشت تا چند سال برای ما مشکل آفرین شد، اما خوزستان همان را هم نداشت. در آن روزها یعنی‌ها سازمانی به نام خلق عرب درست کردند و یکی از روحانیون خوزستان به نام شمسیر خاقانی را برای پیشبرد منافع‌شان اغفال کردند.

مردم اهواز در دوران دفاع مقدس نسبت به حاکمیت چه عملکردی داشتند؟

در دوران جنگ شروع ما بسیجیان و سرداران

عرب بسیاری داشتیم و همه طوایف عرب به ارتش و سپاه کمک می‌کردند. من خودم یک بسیجی ساده در جبهه بودم. خیلی وقت‌ها محل مأموریت ما در کنار اروند یا کارون بود و به هر حال در میان سکنه و عشایر عرب حضور داشتیم. من خودم بارها شاهد لطف اینها بودم. مثلاً یکی از مردم عشایر عرب ماهی گرفته بود و می‌آورد و به ما می‌داد، همه بسیجی‌های که به مرعشی می‌رفتند یا به پشت جبهه تخلیه می‌شدند، در اهواز سوار قطار می‌شدند تا به شهرشان برگردند. ما بارها در اهواز می‌گشتیم و مردم آنجا نهایت احترام و محبت را به ما بسیجی‌ها داشتند. خود من به عنوان یک بسیجی هیچ وقت آن محبت‌ها را یادم نمی‌رود.

با توجه به اینکه در طول تاریخ حکام خوزستان از احکام کلی اطاعت می‌کردند این شرایط در دوره پهلوی اول و دوم به چه صورت بود؟

قبل از دوره پهلوی‌ها، اعراب خوزستان به صورت خودمختار زندگی می‌کردند. کلمه خودمختار نگران‌کنند. اصفهانی‌ها هم خودمختار بودند و همینطور جاهای دیگر. یعنی در عین حال که مناطق مختلف نوعی خودمختاری داشتند، مطیع دولت مرکزی هم بودند. اهواز هم مثل جاهای دیگر، اما خزعل هم در همراهی‌ها با اینها و در طرفداری از احمدشاه قاجار وارد میدان شده بود. مرحوم مدرس و عده‌ای از رجال تهران به طور سری با او ارتباط برقرار کردند تا احمدشاه را بر گردانند. یعنی در دوره‌ای که خزعل با حکومت مرکزی مخالفت کرده برای برگرداندن پادشاه مشروطه به داخل ایران و مخالفت با دیکتاتوری رضاخان بوده و مطلقاً انگیزه جدایی‌طلبی در بین نبوده است. اسناد و مکاتبات مدرس با شیخ‌خزعل موجود است. تاگفته‌نماند که پسر شیخ‌خزعل در دوره محمدرضا پهلوی آجودان او بود. محمدرضا شاه که یک فامیل تجزیه‌طلب را باقتدر به خودش نزدیک نمی‌کرد.

مردم خوزستان و نه فقط اهوازی‌ها، بلکه بزرگ‌ترین طوایف آنجا یعنی بنی‌کعب و بنی‌طرف ایرانی‌ترین ایرانی‌ها و همیشه به دولت ایران وفادار بودند. ایران یک کشور با اقوام و طوایف و نژادهای گوناگون است. این تنوع فرهنگی نژادی زبانی و قومی در ایران از ویژگی‌ها و درخشندگی‌های ایران در طول تاریخ بوده است. در ایران هیچ‌گاه به جان هم نیفتاده‌اند و وقتی دو ایرانی چه در داخل و چه در خارج با هم بر خورد و معامله و معاشرت دارند به تنها چیزی که نمی‌اندیشند این است که طرف مقابلشان به چه زبانی صحبت می‌کند یا از کدام رگ و ریشه است یا… همین اعراب خوزستان همیشه به ایران وفادار بوده‌اند.

به چند نمونه از دلآوری‌های مردم خوزستان اشاره می‌فرمایید؟

در جنگ جهانی اول انگلیسی‌ها به خاطر میدان‌های نفتی خوزستان به خوزستان نیرو وارد کرده بودند، همین عشایر عرب خوزستان با نیروهای انگلیسی جنگیدند. مردم ایران قیام رئیسعلی دلاوری و دیگر قیام‌ها را خوب می‌شناسند. اما چیزی از عشایر عرب خوزستان و دلآوری‌هایشان در برابر انگلیسی‌ها نمی‌دانند، و متأسفانه در تاریخ کمتر به این دلآوری‌ها پرداخته شده است. در صورتی که همه این قیام‌ها با نظر مراجع دینی صورت می‌گرفته و هرگز جنبه تجزیه‌طلبی نداشته‌اند و همواره هدف دفاع از خاک ایران در برابر نیروهای کافر بوده است. دلبری و سلخشوری اعراب خوزستان در تاریخ مشهور است. در زمان پهلوی که بعضی از کشورهای عرب جزو اعمار شوروی بودند، و به اصطلاح گرایش چپ داشتند و با رژیم پهلوی که از اعمار غرب و امریکا بود مخالف بودند، البته مخالف نیابتی. دو طرف نیابتاً از طرف شوروی و امریکا با هم مخالف بودند. دولت‌های عرب چپ، مخصوصاً یعنی‌های عراق، خیلی سعی کردند از مردم خوزستان مزدورانی بسازند و کاری بکنند ولی هرگز به جایی نرسیدند و موفق نشدند.

در روزهای آغازین پیروزی انقلاب گویا رژیم یعنی عراق سعی داشته با وارد کردن اسلحه به این منطقه دست به اقداماتی بزند؟

بله، پس از پیروزی انقلاب زمانی که کشور هنوز دولت مستقری نداشت و دولت موقت مهندس بازرگان، اسماً دولت بود و در شرایطی که چند هزار اسلحه در دست مردم عادی پخش بود و صدام حسین قصد داشت از این اشتگی استفاده کند، اگر مردم با توجه به اینکه جمهوری اسلامی در طی چهار

۹

دهه در برابر همه توطئه‌ها ایستادگی کرده است و مخصوصاً در دهه اخیر موفقیت‌های شایان توجهی به دست آورده و روز به روز قدرتمندتر شده، طبیعی است که کشورهای وابسته به امریکا در منطقه و به خصوص اسرائیل بخواهند به هر نحو ممکن با حکومت ایران مخالفت کنند. از وقتی که محمد بن سلمان در عربستان زمام‌امور را به دست گرفت، سیاست از رو شمشیر بستن برای ایران که در پیش گرفت، چراکه عربستان در یمن شرکت خورد که در واقع شکست از ایران است. در سوریه و عراق هم داعش سباطش برچیده شد که در واقع شکست امریکا و اسرائیل بود. اینکه نمی‌گوییم شکست عربستان بود(که بود) از این بابت است که عربستان یک دولت و رژیم یوشالی نیابتی است. او نیابتاً از طرف امریکا با ما وارد چالش شده است. و با توجه به اینکه در داخل عربستان عده زیادی شیعه هستند که اگر چه وابسته به دولت ایران نیستند و بومی هزار و چهارصد ساله آن منطقه هستند، اما به هر حال برای عربستان اسباب نگرانی هستند. اگر همه این عوامل را با هم جمع کنید، به این نتیجه می‌رسید که عربستان انگیزه دارد از عده‌ای از ساکنان عرب ایران علیه حکومت ایران استفاده کند. گروهی که اسسش را بریدید، وابسته به عربستان سعودی است. اگر شبکه‌های همواران عربی و رسانه‌های مطبوعات وابسته به عربستان سعودی را رصد کرده باشید، خواهید دید که اینها چندین سال است که دارند با این گروه مراوده می‌کنند، برایشان کنفرانس می‌گذارند و آنها را در رسانه‌هایشان برجسته می‌کنند تا بگویند چنین حرکتی در خوزستان یا به قول خودشان عربستان جریان دارد، حال آنکه سابقه اینها به اختلافات ایران با بعضی از کشورهای منطقه، از جمله عربستان برمی‌گردد که در حال حاضر سردمدار مخالفت با ایران شده است.

علت پدید آمدن حادثه ترور بیستی اخیر در اهواز را چطور تحلیل می‌کنید؟

مزدورانی که در روز رژه در اهواز حادته بسیار جنایت‌باری را رقم زدند، مزدورانی بودند که برای پیشبرد سیاست‌های عربستان سعودی می‌کردند و وابستگی آنها به عربستان سعودی محرز است. ولی اینکه آنها چرا این کار را انجام داده؟ اشاره کردم که عربستان به عنوان یک کشور متحد امریکا یا بهتر است بگویم مجری و مزدور سیاست‌های امریکا طبیعی است که از حداکثر امکانات خود برای ایجاد مزاحمت در ایران استفاده کند. وجود یک عده عرب می‌تواند پهنانه‌ای باشد برای اینکه ما چهار نفر مزدور را بیاوریم و آنها را گول بزنیم. عربستانی که در برابر ایران در سوریه، عراق و یمن شکست خورده، طبیعی است جایی را که مردم تجمع کرده‌اند تا رژه نیروهای مسلح کشورشان را تماشا کنند، مورد تهاجم قرار بدهد و این یک کار جنایتکارانه‌ای است که می‌شود راحت آن را انجام داد. نه یک کار نظامی پیچیده است و نه کار قهرمانانه‌ای است. مردم اهواز هم هرگز از این حرکت طرفداری نکردند و حرکت تجزیه‌طلبانه وابسته به بقایای بعضی‌ها و وابستگان به عربستان سعودی است خودشان را جبهه‌التحریر الاحواز گذاشته‌اند، هیچ جایگاهی در بین مردم پیدا نکرده است.

هیبران این گروهک چسرا جنایتی که مرتکب شدند را انکار کردند؟

یک مقدار شاید به عکس‌العمل مردم برگردد که شیدنا نفر مردمی را این کار به دنبال داشت. و اینکه این کار خیلی جنایتکارانه بود. در فضای بین‌المللی همه هیچ استقبالی نشد و شورای امنیت هم که هر گاه توانسته بر ضد ایران وارد عمل شده این بار این جنایت را محکوم کرده است. قدری هم به ایجاد اغتشاش اطلاعاتی برمی‌گردد و اینکه نهاد‌های اطلاعاتی ایران را سردرگم کنند، چون بعد از اینکه اینها گفتند ما نبودیم، داعش مسئولیت این حادثه را برعهده گرفت. این حادثه قطعاً کار داعش نبوده و اینها بوده‌اند. البته این گمان من است و کارشناسی‌های اطلاعاتی بعداً مشخص خواهد کرد. اما همه اینها برای این است که بعداً کسی نتواند یقه عربستان سعودی را بگیرد و عامل ماجرا را به محاکم بکشد. در سیاست‌های ترور بیستی مزدوری اصلی هست که می‌گوید زن و انکار کن. این شیوه همه سازمان‌های جنایتکار است که اول می‌زند. اگر دیدند شرایط فراهم است و برای آنها امتیازی را به همراه می‌آورد می‌گویند ما بودیم، والا می‌گویند ما نبودیم. در قضیه ۷ تیر برای همه محرز است که سازمان منافقین این کار را کرده، اما تا به امروز تکذیب کرده و می‌گویند ما نبودیم. همینطور ماجرای هشت شهریور، در عین حال اگر یک وقتی شرایط فراهم شد می‌گویند ما بودیم. این شگرد سازمان‌های ترور بیستی است.

اینها چار تا و نصفی آدم بودند که صدام در دوران جنگ با ایران جمعشان کرد و اسمشان را هم گذاشت الجبیه‌التحریر الاحواز. ریشه‌های تاریخی این تحرکات شاید به دهه ۴۰ شمسی برگردد که دولت‌های عرب با دولت طرفدار غرب پهلوی اختلاف رویکرد داشتند و همانطور که پهلوی از کردها علیه عراق یعنی چپ استفاده می‌کرد، آنها از امکانات خاص خودشان علیه ایران استفاده و رژیم یعنی عراق سعی کرده‌اند تا بر آن گذاشتند تا بگویند ما نبودیم. این حرکت آنقدر هم اهمیت نداشت که حتی ردی از آنها در تاریخ مانده باشد که حتی در کتابی به آنها اشاره شده باشد.

این گروهک توسط چه کشورهایی تقویت می‌شود و علت این حمایت‌ها چیست؟

با توجه به اینکه جمهوری اسلامی در طی چهار دهه در برابر همه توطئه‌ها ایستادگی کرده است و مخصوصاً در دهه اخیر موفقیت‌های شایان توجهی به دست آورده و روز به روز قدرتمندتر شده، طبیعی است که کشورهای وابسته به امریکا در منطقه و به خصوص اسرائیل بخواهند به هر نحو ممکن با حکومت ایران مخالفت کنند. از وقتی که محمد بن سلمان در عربستان زمام‌امور را به دست گرفت، سیاست از رو شمشیر بستن برای ایران که در پیش گرفت، چراکه عربستان در یمن شرکت خورد که در واقع شکست از ایران است. در سوریه و عراق هم داعش سباطش برچیده شد که در واقع شکست امریکا و اسرائیل بود. اینکه نمی‌گوییم شکست عربستان بود(که بود) از این بابت است که عربستان یک دولت و رژیم یوشالی نیابتی است. او نیابتاً از طرف امریکا با ما وارد چالش شده است. و با توجه به اینکه در داخل عربستان عده زیادی شیعه هستند که اگر چه وابسته به دولت ایران نیستند و بومی هزار و چهارصد ساله آن منطقه هستند، اما به هر حال برای عربستان اسباب نگرانی هستند. اگر همه این عوامل را با هم جمع کنید، به این نتیجه می‌رسید که عربستان انگیزه دارد از عده‌ای از ساکنان عرب ایران علیه حکومت ایران استفاده کند. گروهی که اسسش را بریدید، وابسته به عربستان سعودی است. اگر شبکه‌های همواران عربی و رسانه‌های مطبوعات وابسته به عربستان سعودی را رصد کرده باشید، خواهید دید که اینها چندین سال است که دارند با این گروه مراوده می‌کنند، برایشان کنفرانس می‌گذارند و آنها را در رسانه‌هایشان برجسته می‌کنند تا بگویند چنین حرکتی در خوزستان یا به قول خودشان عربستان جریان دارد، حال آنکه سابقه اینها به اختلافات ایران با بعضی از کشورهای منطقه، از جمله عربستان برمی‌گردد که در حال حاضر سردمدار مخالفت با ایران شده است.

علت پدید آمدن حادثه ترور بیستی اخیر در اهواز را چطور تحلیل می‌کنید؟

مزدورانی که در روز رژه در اهواز حادته بسیار جنایت‌باری را رقم زدند، مزدورانی بودند که برای پیشبرد سیاست‌های عربستان سعودی کار می‌کردند و وابستگی آنها به عربستان سعودی محرز است. ولی اینکه آنها چرا این کار را انجام داده؟ اشاره کردم که عربستان به عنوان یک کشور متحد امریکا یا بهتر است بگویم مجری و مزدور سیاست‌های امریکا طبیعی است که از حداکثر امکانات خود برای ایجاد مزاحمت در ایران استفاده کند. وجود یک عده عرب می‌تواند پهنانه‌ای باشد برای اینکه ما چهار نفر مزدور را بیاوریم و آنها را گول بزنیم. عربستانی که در برابر ایران در سوریه، عراق و یمن شکست خورده، طبیعی است جایی را که مردم تجمع کرده‌اند تا رژه نیروهای مسلح کشورشان را تماشا کنند، مورد تهاجم قرار بدهد و این یک کار جنایتکارانه‌ای است که می‌شود راحت آن را انجام داد. نه یک کار نظامی پیچیده است و نه کار قهرمانانه‌ای است. مردم اهواز هم هرگز از این حرکت طرفداری نکردند و حرکت تجزیه‌طلبانه وابسته به بقایای بعضی‌ها و وابستگان به عربستان سعودی است خودشان را جبهه‌التحریر الاحواز گذاشته‌اند، هیچ جایگاهی در بین مردم پیدا نکرده است.

هیبران این گروهک چسرا جنایتی که مرتکب شدند را انکار کردند؟

یک مقدار شاید به عکس‌العمل مردم برگردد که شیدنا نفر مردمی را این کار به دنبال داشت. و اینکه این کار خیلی جنایتکارانه بود. در فضای بین‌المللی همه هیچ استقبالی نشد و شورای امنیت هم که هر گاه توانسته بر ضد ایران وارد عمل شده این بار این جنایت را محکوم کرده است. قدری هم به ایجاد اغتشاش اطلاعاتی برمی‌گردد و اینکه نهاد‌های اطلاعاتی ایران را سردرگم کنند، چون بعد از اینکه اینها گفتند ما نبودیم، داعش مسئولیت این حادثه را برعهده گرفت. این حادثه قطعاً کار داعش نبوده و اینها بوده‌اند. البته این گمان من است و کارشناسی‌های اطلاعاتی بعداً مشخص خواهد کرد. اما همه اینها برای این است که بعداً کسی نتواند یقه عربستان سعودی را بگیرد و عامل ماجرا را به محاکم بکشد. در سیاست‌های ترور بیستی مزدوری اصلی هست که می‌گوید زن و انکار کن. این شیوه همه سازمان‌های جنایتکار است که اول می‌زند. اگر دیدند شرایط فراهم است و برای آنها امتیازی را به همراه می‌آورد می‌گویند ما بودیم، والا می‌گویند ما نبودیم. در قضیه ۷ تیر برای همه محرز است که سازمان منافقین این کار را کرده، اما تا به امروز تکذیب کرده و می‌گویند ما نبودیم. همینطور ماجرای هشت شهریور، در عین حال اگر یک وقتی شرایط فراهم شد می‌گویند ما بودیم. این شگرد سازمان‌های ترور بیستی است.

اینها چار تا و نصفی آدم بودند که صدام در دوران جنگ با ایران جمعشان کرد و اسمشان را هم گذاشت الجبیه‌التحریر الاحواز. ریشه‌های تاریخی این تحرکات شاید به دهه ۴۰ شمسی برگردد که دولت‌های عرب با دولت طرفدار غرب پهلوی اختلاف رویکرد داشتند و همانطور که پهلوی از کردها علیه عراق یعنی چپ استفاده می‌کرد، آنها از امکانات خاص خودشان علیه ایران استفاده و رژیم یعنی عراق سعی کرده‌اند تا بر آن گذاشتند تا بگویند ما نبودیم. این حرکت آنقدر هم اهمیت نداشت که حتی ردی از آنها در تاریخ مانده باشد که حتی در کتابی به آنها اشاره شده باشد.

این گروهک توسط چه کشورهایی تقویت می‌شود و علت این حمایت‌ها چیست؟

با توجه به اینکه جمهوری اسلامی در طی چهار دهه در برابر همه توطئه‌ها ایستادگی کرده است و مخصوصاً در دهه اخیر موفقیت‌های شایان توجهی به دست آورده و روز به روز قدرتمندتر شده، طبیعی است که کشورهای وابسته به امریکا در منطقه و به خصوص اسرائیل بخواهند به هر نحو ممکن با حکومت ایران مخالفت کنند. از وقتی که محمد بن سلمان در عربستان زمام‌امور را به دست گرفت، سیاست از رو شمشیر بستن برای ایران که در پیش گرفت، چراکه عربستان در یمن شرکت خورد که در واقع شکست از ایران است. در سوریه و عراق هم داعش سباطش برچیده شد که در واقع شکست امریکا و اسرائیل بود. اینکه نمی‌گوییم شکست عربستان بود(که بود) از این بابت است که عربستان یک دولت و رژیم یوشالی نیابتی است. او نیابتاً از طرف امریکا با ما وارد چالش شده است. و با توجه به اینکه در داخل عربستان عده زیادی شیعه هستند که اگر چه وابسته به دولت ایران نیستند و بومی هزار و چهارصد ساله آن منطقه هستند، اما به هر حال برای عربستان اسباب نگرانی هستند. اگر همه این عوامل را با هم جمع کنید، به این نتیجه می‌رسید که عربستان انگیزه دارد از عده‌ای از ساکنان عرب ایران علیه حکومت ایران استفاده کند. گروهی که اسسش را بریدید، وابسته به عربستان سعودی است. اگر شبکه‌های همواران عربی و رسانه‌های مطبوعات وابسته به عربستان سعودی را رصد کرده باشید، خواهید دید که اینها چندین سال است که دارند با این گروه مراوده می‌کنند، برایشان کنفرانس می‌گذارند و آنها را در رسانه‌هایشان برجسته می‌کنند تا بگویند چنین حرکتی در خوزستان یا به قول خودشان عربستان جریان دارد، حال آنکه سابقه اینها به اختلافات ایران با بعضی از کشورهای منطقه، از جمله عربستان برمی‌گردد که در حال حاضر سردمدار مخالفت با ایران شده است.

علت پدید آمدن حادثه ترور بیستی اخیر در اهواز را چطور تحلیل می‌کنید؟

مزدورانی که در روز رژه در اهواز حادته بسیار جنایت‌باری را رقم زدند، مزدورانی بودند که برای پیشبرد سیاست‌های عربستان سعودی کار می‌کردند و وابستگی آنها به عربستان سعودی محرز است. ولی اینکه آنها چرا این کار را انجام داده؟ اشاره کردم که عربستان به عنوان یک کشور متحد امریکا یا بهتر است بگویم مجری و مزدور سیاست‌های امریکا طبیعی است که از حداکثر امکانات خود برای ایجاد مزاحمت در ایران استفاده کند. وجود یک عده عرب می‌تواند پهنانه‌ای باشد برای اینکه ما چهار نفر مزدور را بیاوریم و آنها را گول بزنیم. عربستانی که در برابر ایران در سوریه، عراق و یمن شکست خورده، طبیعی است جایی را که مردم تجمع کرده‌اند تا رژه نیروهای مسلح کشورشان را تماشا کنند، مورد تهاجم قرار بدهد و این یک کار جنایتکارانه‌ای است که می‌شود راحت آن را انجام داد. نه یک کار نظامی پیچیده است و نه کار قهرمانانه‌ای است. مردم اهواز هم هرگز از این حرکت طرفداری نکردند و حرکت تجزیه‌طلبانه وابسته به بقایای بعضی‌ها و وابستگان به عربستان سعودی است خودشان را جبهه‌التحریر الاحواز گذاشته‌اند، هیچ جایگاهی در بین مردم پیدا نکرده است.

هیبران این گروهک چسرا جنایتی که مرتکب شدند را انکار کردند؟

یک مقدار شاید به عکس‌العمل مردم برگردد که شیدنا نفر مردمی را این کار به دنبال داشت. و اینکه این کار خیلی جنایتکارانه بود. در فضای بین‌المللی همه هیچ استقبالی نشد و شورای امنیت هم که هر گاه توانسته بر ضد ایران وارد عمل شده این بار این جنایت را محکوم کرده است. قدری هم به ایجاد اغتشاش اطلاعاتی برمی‌گردد و اینکه نهاد‌های اطلاعاتی ایران را سردرگم کنند، چون بعد از اینکه اینها گفتند ما نبودیم، داعش مسئولیت این حادثه را برعهده گرفت. این حادثه قطعاً کار داعش نبوده و اینها بوده‌اند. البته این گمان من است و کارشناسی‌های اطلاعاتی بعداً مشخص خواهد کرد. اما همه اینها برای این است که بعداً کسی نتواند یقه عربستان سعودی را بگیرد و عامل ماجرا را به محاکم بکشد. در سیاست‌های ترور بیستی مزدوری اصلی هست که می‌گوید زن و انکار کن. این شیوه همه سازمان‌های جنایتکار است که اول می‌زند. اگر دیدند شرایط فراهم است و برای آنها امتیازی را به همراه می‌آورد می‌گویند ما بودیم، والا می‌گویند ما نبودیم. در قضیه ۷ تیر برای همه محرز است که سازمان منافقین این کار را کرده، اما تا به امروز تکذیب کرده و می‌گویند ما نبودیم. همینطور ماجرای هشت شهریور، در عین حال اگر یک وقتی شرایط فراهم شد می‌گویند ما بودیم. این شگرد سازمان‌های ترور بیستی است.

اینها چار تا و نصفی آدم بودند که صدام در دوران جنگ با ایران جمعشان کرد و اسمشان را هم گذاشت الجبیه‌التحریر الاحواز. ریشه‌های تاریخی این تحرکات شاید به دهه ۴۰ شمسی برگردد که دولت‌های عرب با دولت طرفدار غرب پهلوی اختلاف رویکرد داشتند و همانطور که پهلوی از کردها علیه عراق یعنی چپ استفاده می‌کرد، آنها از امکانات خاص خودشان علیه ایران استفاده و رژیم یعنی عراق سعی کرده‌اند تا بر آن گذاشتند تا بگویند ما نبودیم. این حرکت آنقدر هم اهمیت نداشت که حتی ردی از آنها در تاریخ مانده باشد که حتی در کتابی به آنها اشاره شده باشد.

این گروهک توسط چه کشورهایی تقویت می‌شود و علت این حمایت‌ها چیست؟

با توجه به اینکه جمهوری اسلامی در طی چهار دهه در برابر همه توطئه‌ها ایستادگی کرده است و مخصوصاً در دهه اخیر موفقیت‌های شایان توجهی به دست آورده و روز به روز قدرتمندتر شده، طبیعی است که کشورهای وابسته به امریکا در منطقه و به خصوص اسرائیل بخواهند به هر نحو ممکن با حکومت ایران مخالفت کنند. از وقتی که محمد بن سلمان در عربستان زمام‌امور را به دست گرفت، سیاست از رو شمشیر بستن برای ایران که در پیش گرفت، چراکه عربستان در یمن شرکت خورد که در واقع شکست از ایران است. در سوریه و عراق هم داعش سباطش برچیده شد که در واقع شکست امریکا و اسرائیل بود. اینکه نمی‌گوییم شکست عربستان بود(که بود) از این بابت است که عربستان یک دولت و رژیم یوشالی نیابتی است. او نیابتاً از طرف امریکا با ما وارد چالش شده است. و با توجه به اینکه در داخل عربستان عده زیادی شیعه هستند که اگر چه وابسته به دولت ایران نیستند و بومی هزار و چهارصد ساله آن منطقه هستند، اما به هر حال برای عربستان اسباب نگرانی هستند. اگر همه این عوامل را با هم جمع کنید، به این نتیجه می‌رسید که عربستان انگیزه دارد از عده‌ای از ساکنان عرب ایران علیه حکومت ایران استفاده کند. گروهی که اسسش را بریدید، وابسته به عربستان سعودی است. اگر شبکه‌های همواران عربی و رسانه‌های مطبوعات وابسته به عربستان سعودی را رصد کرده باشید، خواهید دید که اینها چندین سال است که دارند با این گروه مراوده می‌کنند، برایشان کنفرانس می‌گذارند و آنها را در رسانه‌هایشان برجسته می‌کنند تا بگویند چنین حرکتی در خوزستان یا به قول خودشان عربستان جریان دارد، حال آنکه سابقه اینها به اختلافات ایران با بعضی از کشورهای منطقه، از جمله عربستان برمی‌گردد که در حال حاضر سردمدار مخالفت با ایران شده است.

علت پدید آمدن حادثه ترور بیستی اخیر در اهواز را چطور تحلیل می‌کنید؟

مزدورانی که در روز رژه در اهواز حادته بسیار جنایت‌باری را رقم زدند، مزدورانی بودند که برای پیشبرد سیاست‌های عربستان سعودی کار می‌کردند و وابستگی آنها به عربستان سعودی محرز است. ولی اینکه آنها چرا این کار را انجام داده؟ اشاره کردم که عربستان به عنوان یک کشور متحد امریکا یا بهتر است بگویم مجری و مزدور سیاست‌های امریکا طبیعی است که از حداکثر امکانات خود برای ایجاد مزاحمت در ایران استفاده کند. وجود یک عده عرب می‌تواند پهنانه‌ای باشد برای اینکه ما چهار نفر مزدور را بیاوریم و آنها را گول بزنیم. عربستانی که در برابر ایران در سوریه، عراق و یمن شکست خورده، طبیعی است جایی را که مردم تجمع کرده‌اند تا رژه نیروهای مسلح کشورشان را تماشا کنند، مورد تهاجم قرار بدهد و این یک کار جنایتکارانه‌ای است که می‌شود راحت آن را انجام داد. نه یک کار نظامی پیچیده است و نه کار قهرمانانه‌ای است. مردم اهواز هم هرگز از این حرکت طرفداری نکردند و حرکت تجزیه‌طلبانه وابسته به بقایای بعضی‌ها و وابستگان به عربستان سعودی است خودشان را جبهه‌التحریر الاحواز گذاشته‌اند، هیچ جایگاهی در بین مردم پیدا نکرده است.

هیبران این گروهک چسرا جنایتی که مرتکب شدند را انکار کردند؟

یک مقدار شاید به عکس‌العمل مردم برگردد که شیدنا نفر مردمی را این کار به دنبال داشت. و اینکه این کار خیلی جنایتکارانه بود. در فضای بین‌المللی همه هیچ استقبالی نشد و شورای امنیت هم که هر گاه توانسته بر ضد ایران وارد عمل شده این بار این جنایت را محکوم کرده است. قدری هم به ایجاد اغتشاش اطلاعاتی برمی‌گردد و اینکه نهاد‌های اطلاعاتی ایران را سردرگم کنند، چون بعد از اینکه اینها گفتند ما نبودیم، داعش مسئولیت این حادثه را برعهده گرفت. این حادثه قطعاً کار داعش نبوده و اینها بوده‌اند. البته این گمان من است و کارشناسی‌های اطلاعاتی بعداً مشخص خواهد کرد. اما همه اینها برای این است که بعداً کسی نتواند یقه عربستان سعودی را بگیرد و عامل ماجرا را به محاکم بکشد. در سیاست‌های ترور بیستی مزدوری اصلی هست که می‌گوید زن و انکار کن. این شیوه همه سازمان‌های جنایتکار است که اول می‌زند. اگر دیدند شرایط فراهم است و برای آنها امتیازی را به همراه می‌آورد می‌گویند ما بودیم، والا می‌گویند ما نبودیم. در قضیه ۷ تیر برای همه محرز است که سازمان منافقین این کار را کرده، اما تا به امروز تکذیب کرده و می‌گویند ما نبودیم. همینطور ماجرای هشت شهریور، در عین حال اگر یک وقتی شرایط فراهم شد می‌گویند ما بودیم. این شگرد سازمان‌های ترور بیستی است.

اینها چار تا و نصفی آدم بودند که صدام در دوران جنگ با ایران جمعشان کرد و اسمشان را هم گذاشت الجبیه‌التحریر الاحواز. ریشه‌های تاریخی این تحرکات شاید به دهه ۴۰ شمسی برگردد که دولت‌های عرب با دولت طرفدار غرب پهلوی اختلاف رویکرد داشتند و همانطور که پهلوی از کردها علیه عراق یعنی چپ استفاده می‌کرد، آنها از امکانات خاص خودشان علیه ایران استفاده و رژیم یعنی عراق سعی کرده‌اند تا بر آن گذاشتند تا بگویند ما نبودیم. این حرکت آنقدر هم